

# جلوه‌هایی از زیباییهای نظم و تناسب آیات و سوره قرآن (اعلی-ناس)

محمد مهدی سلطانی

## تناسب و لزوم پرداختن به آن:

«تناسب» یا مناسبت در لغت به معنی هم شکلی و نزدیک به هم بودن است و در اصطلاح علوم قرآنی، ربط دهنده بین آیات را گویند،<sup>(۱)</sup> از تناسب، گاه با تعابیر تناسب و اتساق، نظم و ارتباط نیز سخن به میان آمده است.

علم تناسب که به ارتباط و تناسب و بیان زیباییهای پیوند آیات و سوره‌ها می‌پردازد، تقریباً در جنبه‌های نظری و اثبات تئوری آن تحقیقات کافی انجام شده است، ولی به جنبه کاربردی و بررسی و تحلیل آن کمتر توجه شده است و تنها در لابلای تفاسیر، کم و بیش اشاراتی صورت گرفته است، ولی متأسفانه با هدف تفسیر تناسب گونه آیات، کشف تناسبها در تمام آیات و سوره‌ها، کاری صورت گرفته است، که از این نادر کارها می‌توان به اثر خواندنی آقای عبدالعلی بازرگان در نظم قرآن اشاره نمود، از آنجایی که اغلب مستشرقان و برخی از خودیها قرآن را به عنوان کتابی از هم گسسته و در هم ریخته پنداشته‌اند، پاسخ عملی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. و از جمله فواید دیگر و لزوم پرداختن به این علم می‌توان موارد زیر را برشمرد.

دست یابی به لطایفی در تفسیر، تأکید بر اعجاز قرآن، اثبات توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره، درک و فهم دقیق تر آیات و پی بردن به هدف دار بودن سوگندها جهت ملموس نمودن معانی، تناسب وجه تسمیه سوره و ارتباط اسامی با سوره.

ما در این نوشتار به تحلیل و بررسی موضوعات ذیل با محوریت سوره‌های «اعلی» تا «ناس» (جزء سی ام) می‌پردازیم.

## الف - تناسب و وجوه ارتباط بین آیات یک سوره:

آیات یک سوره با هم ارتباط و پیوند همگونی و در جهت تجلی اهداف سوره هماهنگی کامل دارند و به گفته سید احمد عرفان شهید «توجه به همبستگی آیات یک سوره در تفسیر قرآن بسیار حائز اهمیت است»، زیرا تجزیه قرآن و تفسیر هر یک جدای از تمامی سوره برای قرآن زیان آور است.<sup>(۲)</sup>

لذا نمی‌توان در فهم و برداشت تفسیر مناسب و گویا، آیات را بریده و بدون آیات همجوار آن، اهداف کل سوره را تفسیر نمود. و سیاق آیات بهترین گواه برای فهم صحیح آیات می‌باشد. و حتی تفسیر یک آیه منقطع و جدا از آیات همجوار به نوعی تحریف قرآن محسوب می‌شود.

چگونه ذهن سلیم این را بپذیرد که آیه‌ای از قرآن در لابلای آیات، تک و تنها و بدون هیچ مقدمه و علتی، معنایی کاملاً جدا و حتی خلاف همه بیانات آیات همگون و همجوارش داشته باشد؟! و هیچ رابطه‌ای با آیات قبل و بعد خود نداشته باشد و از آیات آنها هیچ تأثیری نپذیرد و در جایی قرار گیرد که از نظر تسلسل علت و معلولی پاسخ همان مقدمات و مؤخرات آیات همجوار خود است، ولی

۱- جلال الدین عبدالرحمن، سیوطی، الاتقان فی علوم

القرآن، درالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ هـ ق ص ۱۰۸

۲- عبدالکریم بی آزار شیرازی و محمد باقر حجتی، تفسیر

کاشف (دفتر نشر فرهنگ اسلامی)، ۱۳۶۳ هـ ق، ج ۱، ص ۱۳

بررسی است.

**سوره تکاثر:** تکاثر و نوعی کثرت در تمام آیات این سوره دیده می شود. تکاثر در آیه ﴿حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾<sup>(۱)</sup> به دو تفسیر بیان شده است. اول: حتی محسوب نمودن مردگان در شمار عِدّه و عُدّه. دوم تکاثر خواهی حتی تا دم مرگ، که در هر دو وجه نوعی کثرت و زیاده طلبی مشهود است.

و آیه ﴿كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾<sup>(۲)</sup> فهم حقایق را به آینده (مرگ) موکول می نماید و آن به علت مشغولیت شدید در کثرت طلبی است که به شخص مجال تفکر و فهم حقایق را در دنیا نمی دهد. و همچنین تکرار این آیه و تکرار کلاً و ردهای کوبنده، تکرار «ثم»، حکایت از کثرت حاکم بر سوره دارد.

و آیه ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾<sup>(۳)</sup> بیانگر کثرت و کمال زشتی اعمال متکاثرتین است که اگر علم یقینی می داشتند، عذاب را بر خود محقق می دانستند. و آیه بعد باز هم می خواهد شدت و کثرت استحقاقشان را به دخول در عذاب متصور نماید.

و در آیه پایانی ﴿ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ النَّعِيمَ﴾ این کثرت، از جنبه لفظی و زبان شناسی کاملاً مشهود است. تأکید فعل پرسیدن با لام تأکید و نون تأکید مثقله (سه تأکید) و همچنین واژه «نعیم» که صیغه مبالغه است و حکایت از کثرت نعمتها دارد و همچنین شدت و حدّتی که از نظر آوایی در هنگام تلفظ پدید می آید همه و همه حکایت از کثرت و شدت حاکم بر سوره دارد که از آیه کلیدین و آغازین تا آخرین آیه بر تمام سوره ها طنین افکن شده است.

**سوره مسد:** واژه «تبت» که به معنای نابودی و هلاکت می باشد و در آیه آغازین تکرار گردیده است، تمام سوره را که هدف آن نابودی آتش افروزان (ابولهب و همسرش می باشد) در بر می گیرد.

این نابودی با تسمیه به ابولهب (پدر زبانه آتش) شروع و با بیان مانع نبودن هیچ چیزی (از مال و آنچه وی کسب کرده است) از عذاب الهی و از واقع شدن در آتش سوزان، یک نما و هم سو ادامه می یابد. حتی زن او که می تواند یاور وی باشد. با بیان قرآن آتش افزون این معرکه می گردد و هلاکت را دو چندان می نماید. تا سوره به وضوح هلاکت و نابودی را بر سرتاسر وجود و هستی بدان به سیطره افکند.

**سوره توحید:** اثبات توحید، یگانگی منحصر به فرد و استثنایی برای ذات خداوند (جل عظمه) تک آرمان همه آیات این سوره مبارکه است که با هم، یکسو، بی همتای الهی را اثبات می نماید.

**سوره ناس:** پناه بردن به «رب»، «ملک» و «اله» مردم نشان می دهد که امر بنابر مشکل اختصاصی انسان است که این چنین مورد استعاذه قرار می گیرد، و آیات بعد و سواهای شیطانی و انسانی را به عنوان معضل ترین مشکل انسان مطرح می نماید و به لزوم پناه بردن به خداوند انسان که منحصرأ دارای صفات مذکور در اول سوره است اذعان می نماید، چرا که مشکل، مشکل انسان است و خداوند پروردگار، اله و مالک است.

## ۲- سوگندهای ابتدای سوره به عنوان عامل پیوند مشترک آیات:

سوگندهای قرآن معمولاً به محسوسات طبیعی است، و هدف آن است که ذهن مخاطب را از محسوسات به سوی معقولات راهنمایی نماید و بدین گونه مسایل را برای وی قابل فهم نماید. پس تناسب و ارتباطی تنگاتنگ بین سوگندها و اهداف سوره وجود دارد، که سوگندها با هدف ملموس نمودن و عینی کردن حقایق برای فهم و درک بهتر بشری بکار رفته اند.

ما به عنوان نمونه و شاهد مثال چند سوره را به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم:

**سوره فجر:** این سوره، با سوگند به فجر و سپیده صبح ﴿وَالْفَجْرِ﴾<sup>(۴)</sup> آغاز می گردد و سه سوگند دیگر هم به موازات و همگون آن خورده می شود. اما آیات بعد از سوگندها، درباره جریان قوم عاد و ثمود و فرعون و قدرت و شوکت و نعمتهای دنیوی داده شده با آنها صحبت می کند که آنان همچون روشنایی فجر بدان دل خوش کرده بودند و برای آن زوالی نمی دیدند اما قرآن با اشاره به

۱- (سوره تکاثر، آیه: ۲)

۲- (سوره تکاثر، آیه: ۳)

۳- (سوره تکاثر، آیه: ۵)

۴- (سوره فجر، آیه: ۱)

تسهیل در فهم حقایق است، که با سوگند که نشانه تأکید و اهمیت است بر پرده اذهان بشری نقش می‌بندد.

**سوره ضحی:** بنا بر شأن نزول این سوره که بعد از فترت موقتی وحی پیامبر (صلی الله علیه و سلم) نازل گردید. (۹) سوگند به ﴿والضحیٰ﴾ و الیل اذا سجدی ﴿ با حال و هوای موجود کاملاً متناسب است زیرا هم سوگند به نور (وحی) خورده می‌شود و هم تاریکی (فترت و انقطاع) آن، و این نشان آن است که هر دو با حکمت‌اند، همچون وجود روز و شب، و نباید انقطاع وحی منفی متصور شود.

**سوره عصر:** در این سوره مبارکه به عصر سوگند یاد شده است و اگر ما آنرا زمان عصر بگیریم چون آنگونه وقتی است که هر لحظه‌ای که جلو برویم به تاریکی مطلق شب نزدیک‌تر خواهیم شد و نور را از دست خواهیم داد، بهترین سوگند جهت نشان دادن خسران انسان است، که اگر انسان از مقدار وقت کمی که در دنیا دارد در جهت بندگی خداوند استفاده ننماید، لحظه به لحظه به تاریکی اندر خواهد آمد که دید عمل انسان را خواهد گرفت و او دست خالی خواهد ماند.

و به قول خانم عایشه بنت الشاطی، خداوند با سوگند به

سوگندهای ﴿ولیل عشر﴾<sup>(۱)</sup> که به تعبیر تدریجی ﴿والشفع والوتر﴾<sup>(۲)</sup> که به جدایی و انفاک از آنچه با آنها شفع و جمع شده است و سوگند ﴿واللیل اذا یسر﴾<sup>(۳)</sup> که به رویکرد گسترده تاریکی اشاره دارد، می‌خواهد این بیدار باش و پند را بدهد که نباید به وضع موجود دل خوش نمود، بلکه باید از تغییرات درس عبرت گرفت و آینده نگر بود، تا به یک آن در هلاکت تاریکیها نیفتاد.

و در آیات بعد نیز نماد «فجر» «ولیل» کاملاً مشهود است که بیان می‌دارد، همچنانکه شب و روز هر دو لازمند و بر جای خویش نکو، وجود نعمت و عدم آن هر دو با حکمت و مصلحت‌اند و برای آزمایش انسان‌اند و نباید به نعمت مغرور شد و به نعمت مأیوس. و اگر در عاجل خوشی است در آجل تغییر خواهد نمود و اگر در عاجل غم است در آجل وضع به گونه‌ای دیگر خواهد بود و در پایان با نفس مطمئنه پایان می‌پذیرد که نمودی از فجر و نور است اما مطمئن به همه ابتلائات الهی، نه خوشی و رویکرد دنیا او را غافل می‌کند و نه از دست دادن حتی همه چیز او را نا امید می‌نماید.

پس سوگندهای سوره (به قول عبدالعلی بازرگان) در واقع می‌خواهد به انسان پیامورد که از شواهد طبیعی و تحولات آن به تحولات جوامع انسانی و جریانات سیاسی اجتماعی آن پی برده از آن عبرت گیرد، و این از مهم‌ترین پیامهای سوره فجر است.<sup>(۴)</sup>

**سوره شمس:** سوگندهای محوری این سوره، به خورشید و نور آن است ﴿والشمس و ضحیها﴾<sup>(۵)</sup> که حتی در سوگندهای بعدی نیز اثر نور آن به عنوان عامل اصلی مشهود است.

وقتی در آیه دوم سوگند به ماه خورده می‌شود، در واقع سوگند به انعکاس نور خورشید در ماه است ﴿والقمر إذا تلهها﴾<sup>(۶)</sup> و سوگندهای بعدی نیز به همین گونه تعیین می‌گردد، که ما به علت اختصار از آن می‌پرهیزیم.

تا می‌رسیم به پاسخ سوگند ﴿قد افلح من زکیها﴾<sup>(۷)</sup> که اینجا فهم و ارزش پاکی‌ها و نور، با توجه به سوگندهای ملموس آغازین، متبلور می‌گردد، و زیان پرده سیاه بر فطرت پاک و نورانی انسان نقش بستن ﴿وقد خاب من دسیها﴾<sup>(۸)</sup> همچون و اماندن از نور و محرومیت از منبع زندگی هویدا می‌گردد و این بهترین تصویر حقیقت و

۱- سوگند به شبهای دهگانه (سوره فجر، آیه: ۲)

۲- سوگند به جفت و طارق (سوره فجر، آیه: ۳)

۳- سوگند به شب آنگاه که تاریکی آن فراگیر گسترده هستی می‌شود. (سوره فجر، آیه: ۴)

۴- عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ، ج ۴، ص ۱۰۵

۵- (سوره شمس، آیه: ۱)

۶- سوگند به ماه هنگامیکه از پی خورشید نمایان می‌گردد. (سوره شمس، آیه: ۲)

۷- در حقیقت کسی که نفس خودش را تزکیه و پاک کند نجات یافته است. (سوره شمس، آیه: ۹)

۸- و کسی نومید و ناکام می‌گردد که نفس خویشتن را بیوشاند (و به معاصی) ببالاید. (سوره شمس، آیه: ۱۰)

۹- ک به تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن حریر طبری، ج ۱۵ ص ۲۳۲

زمان که امری محسوس است به امری غیر محسوس، که از بین رفتن عمر و سرمایه اصلی زندگی اش است، تأکید کرده است، و او را از این خسران واقعی و درک نکردن ارزش عمر برحذر می‌دارد.<sup>(۱)</sup>

### ۳- سوره‌هایی که موضوعی واحد دارد:

**سوره غاشیه:** با دقت و تأمل می‌توان به راحتی دریافت که همه آیات ۲۶ گانه آن درباره خبر فراگیر قیامت است، و تنها آیاتی که در بدو نظر بیگانه به نظر می‌رسد آیات ﴿افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت \* و...﴾<sup>(۲)</sup> می‌باشد، ولی این آیات کاملاً مرتبط با موضوع و در جهت اثبات آن است چرا که به قول امام فخر رازی<sup>(۳)</sup> راه اثبات قیامت، با به تصویر کشیدن حکمت و توانایی الهی در مثالهای مذکور هموار می‌گردد.

**سوره بینه:** تمام سوره‌ها درباره بینه و دلیل آشکار الهی، معرفی آن، و اثرش در مخاطبان، و پدید آوردن تحولات در احوالشان و نتایج آن بحث می‌نماید.

**سوره ضحی و انشراح:** هر دو سوره همامنگ درباره دلایل و شواهد استمرار الطاف الهی (مخصوصاً ارتباط با وحی) بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) و تسهیل آن بروی است. **سوره قدر:** تمام سوره درباره نزول قرآن مقام و ارزش آن است.

**سوره قارعة و زلزال:** هر دو درباره شروع قیامت و حسابرسی اعمال انسان است.

**سوره همزة:** درباره خصوصیات و ویژگی‌های مال پرستان و عواقب شومشان می‌باشد.

**سوره فیل و قریش:** درباره سرگذشت یاران فیل بهمراه بیان علت و فلسفه آن در سوره قریش است.

**سوره نصر:** تمام سوره درباره پیروزی الهی است. **سوره مسد:** درباره نابودی آتش افروزان است.

**سوره کافرون، توحید، فلق و ناس:** محور اصلی هر چهار سوره اثبات توحید است. سوره کافرون: عدم سازش و نفوذ شرک در توحید، سوره توحید: اثبات و اعلان توحید، سوره فلق و ناس: پناه بردن و استعاذه انسان از شرترین و مشکل‌ترین مسائلیش فقط به خدا

**۴- سوره‌ای که می‌توان وجه ارتباطی برای تقسیمات جداگانه آیات آن در نظر گرفت:**

**سوره علق:** که ۱۵ آیه آن، اولین آیات نازل شده است با

قسمتهای بعدی سوره که بعداً نازل شده است از نظر هدف در ظاهر یکی نیست ولی می‌توان به وجود ارتباطی ظریف مابین این قسمتها پی برد.

واژه علق رمز این ارتباط است زیرا از معانی آن خون بسته (نطفه) می‌باشد.<sup>(۴)</sup> و چون اولین آیات فرود آمده بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) و دستور به خواندن می‌دهد ﴿اقرا باسم ربك الذي خلق﴾<sup>(۵)</sup> و طبق روایات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) می‌فرماید، چگونه بخوانم و نمی‌توانم بخوانم<sup>(۶)</sup> آیه ﴿خلق الانسان من علق﴾<sup>(۷)</sup> می‌خواهد قدرت الهی را در انجام کارهای به ظاهر مشکل برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) به تصویر بکشد که همان کسی که می‌تواند از خون بسته ناچیز (که مشکل می‌نماید بتواند به انسانی با این همه پیچیدگی و نظم تبدیل شود) انسان را بسازد تواناست این بار سنگین امانت الهی را بوسیله پیامبر امی به جهانیان برساند. و آیه ﴿علم القرآن﴾<sup>(۸)</sup> نیز با «علق» همگون است، زیرا با جسمی خرد و ناچیز همه علوم بر انسان آموخته شده است. و اما باز می‌گردیم به قسمت دوم سوره که با ﴿كَلَّا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِٗ لَكٰرِهٌ﴾<sup>(۹)</sup> شروع می‌شود و باز همان وجه ارتباط علق گونه ملموس است، زیرا علاوه بر اینکه ارتباط، همان چگونگی برخورد با وحی و دعوت الهی است وجه لطیف آن، ارتباط طغیان و

۱- عایشه بنت الشاطی، التفسیر البیان للقرآن الکریم، بیروت، دارالمعارف، بی تا، ج ۲ ص ۷۷

۲- پس چرا به چگونگی آفرینش شتر نمی‌نگرند (سوره غاشیه، آیه: ۱۷)

۳- فخر الدین رازی، تفسیر کبیر، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۳۱ ص ۱۳۰

۴- ر، ک به مفردات راغب اصفهانی، حرف ع واژه علق

۵- (سوره علق، آیه: ۱)

۶- ر، ک به تفسیر محمد بن جریر طبری (پیشین) ص ۲۷

۷- (سوره علق، آیه: ۲)

۸- (سوره علق، آیه: ۴)

۹- نه، هرگز، انسان زمانیکه خود را بی نیاز بیند سرکشی می‌کند. (سوره علق، آیه: ۶)

سرکشی انسان است که اگر به اصل خود رجوع کند و ببیند از نطفه‌ای پست، آفریده شده است، دیگر خود را بی نیاز نخواهد دید و به ناچیزی و ضعف خود پی خواهد برد و به جای اینکه با وحی و نمازگزاران و مبلغان آن مخالفت کند خود را نیازمند به آفریدگاری خواهد دید که او از چیزی ناچیز آفریده است. و به سجده در مقابل آن ذاتی که همه تن به او نیازمند است خواهد افتاد. ﴿... واسجد و اقترب﴾

**سوره ماعون:** این سوره در ابتدا شامل دو قسمت کاملاً متفاوت و بیگانه از یکدیگر به چشم می‌خورد، قسمت اول درباره مخالفان دین و قسمت دوم در شرح حال نمازگزاران کاهل است ولی با کمی تدبیر می‌توان دریافت که قسمت اول نقش مقدمه را برای بیداری مسلمانان ظاهری ایفا می‌کند که هنوز به حقیقت تسلیم اسلام نشده‌اند.

چرا که احوال مکذبان و علل مکذب شدنشان را در دوری از انجام اعمال خیر و مثبت معرفی می‌نماید و وضعیت مسلمانان شناسنامه‌ای را بررسی می‌نماید که فقط به ظاهری بی‌روح از اسلام دل خوش کرده‌اند و حتی از انجام (ماعون) یعنی انجام مثبت ساده نیز دوری می‌نماید<sup>(۱)</sup> و خیری در رفتارشان نیست و هشدار می‌دهد که سرنوشت این چنین مسلمانانی که خود را در لوای اسلام جای داده‌اند، اگر به حقایق اسلامی و ایمانی برنگردند و به ظاهر بسنده نمایند، با سرنوشت بی‌دین شدگان، فاصله زیادی ندارد.

### ب: تناسب و ارتباط آغاز و انجام سوره:

در بررسی سوره، ثابت گردید که معمولاً اهداف سوره در آیات آغازین جلوه‌گر می‌شود. و انتهای سوره با آن هدف کاملاً هم‌نماست. با نظری به سوره‌های که بیان نمودیم (مخصوصاً بند ۱ با عنوان آیه آغازین کلید ارتباط و همگونی آیات سوره) این ارتباط هویدا گشت و علاوه بر آن در سوره دیگر نیز این ارتباط برقرار است که ما به عنوان نمونه فقط به ذکر چند مورد اجمالاً اشاره می‌نماییم:

**سوره فجر:** با نور سپیده شروع و با نفس نورانی مطمئنانه پایان می‌پذیرد.

**سوره ضحی:** با نور پدیدار شدن وحی آغاز و با نور نعمت الهی پایان می‌پذیرد.

**سوره یس:** یسینه روشنایی آن باعث شد در پایان سوره،

سرنوشت دو گروه متقابل به صورت آشکار مشخص شود و بطور واضح از هم جدا شوند.

**سوره عادیات:** رابطه آغاز و انجام سوره، همان ارتباطی است که میان هولناک و رعب آور و غافل‌گیرانه میدان نبرد، و صحنه پایانی سوره که صحنه قیامت با همه رعب برانگیزی و غافل‌گیری‌اش است می‌باشد.

**سوره قارعه:** با صدای هولناک شروع شد و با وضع اسفناک و وحشت‌انگیز نافرمانان خاتمه یافت.

**سوره عصر:** هم‌نمایی میان عصر و خسران آغاز سوره و صبر و تلخی سختیهای انجام سوره و همچنین سفارش به حق و پایداری است که باعث از بین رفتن خسران و زیان انسانهای دیگر می‌شود.

**سوره همزة:** تناسب آغاز انجام را در جدول ذیل بیان داریم:

### آغاز انجام و فرجام (آیه ۴ تا پایان سوره)

**الف:** وای بر عیب‌جویان و طعنه‌زنندگان با خواری و ذلت در عذاب در هم شکننده پرتاب ﴿ویل لكل همزة المزة﴾<sup>(۲)</sup> خواهند شد و عیب‌شان رسوا خواهد گشت.

**ب:** گردآوری مال و شمارش آن در هم شکستن مکتسبات و اوهام و محاسبات مادی ﴿الذی جمع مالاً و عدده﴾<sup>(۳)</sup> بوسیله آتش در هم شکستند (حطمة)

**ج:** گمان جاودانگی بوسیله مال دنیا جاودانگی در عذاب به خاطر افکار و اعمال

﴿یحسب ان ماله اخلده﴾<sup>(۴)</sup> ناشایست در دنیا

### ج: تناسب وجه تسمیه سوره:

در مورد نامگذاری در همه سوره قرآن بهترین وجه تسمیه رعایت شده است و آن انتخاب نام، از کلمات نمادین، پایه و مهم سوره است که معمولاً محور اصلی سوره می‌باشند. و ارتباط نامهای موجود سوره با مفاهیم بدان قدر نزدیک

۱- ر، ک به تفسیر نوین، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ج ۲۷

۲- (سوره همزة، آیه: ۱)

۳- (سوره همزة، آیه: ۲)

۴- (سوره همزة، آیه: ۳)

گونه بیان داریم: اولاً به این علت که اول واژه «نصر» آمده است و بعد فتح، در ثانی؛ چون آیه نصر را مستقیماً به یاری خداوند نسبت داده است «نصر الله». ثالثاً؛ یاری و نصرت الهی است که باعث فتح شده و برای همین لطف الهی است که باید آن ذات بی همتا را تسبیح و تمجید نمود، رابعاً؛ سوره دیگری به نام «فتح» داریم.

**سوره ناس:** با تکرار ۵ موردی واژه ناس و بیان استعاده از بزرگترین مشکل مردم، نامی، زیباتر، کاملتر، جامع تر و با مسمی تر برای این سوره نمی توان یافت.

#### **د: تناسب و ارتباط سور با یکدیگر:**

این ارتباط بیشتر در سور مجاور وجود دارد هر چند که همه سور به نوعی باهم ارتباط معانی و هدف دارند و نشانگر این است که با وجود سور و آیات مختلف، اما هیچگونه اختلافی بین سور نیست، بلکه همه، در کنار هم و با هم هدف غایی آفریدگار را بهتر به تصویر می کشند. البته ما قایل به ارتباط خاصی بین سور نیستیم بلکه هدف، اثبات هماهنگی و همگونی بین اهداف و پیامهای سور قرآنی است.

است که انسان را برای ادعای توقیفی بودن اسم گذاری سور، توسط پیام آور وحی، تحریر می نماید. علاوه بر آن معمولاً نامهای انتخاب شده برای ذهن کاملاً ملموس و معمولاً از محسوسات و موارد طبیعی که به دل می نشیند برگزیده شده اند.

با نگاهی گذرا به آنچه بیان گردید، این وجه تناسب نیز ثابت است، چرا که در سور، غاشیة، شمس، بیئنة، ضحی، انشراح، فجر، علق، تکاثر، فیل، قریش، عصر، نصر، توحید، حرف اول در جهت تناسب و ارتباط آیات را محوریت این اسامی بر عهده داشت و معمولاً این اسامی سرنوشت همه سور را به تصویر می کشیدند، از باب مثال به تناسب وجه تسمیه چند سوره اشاره می شود.

**سوره عادیات:** ۱- عادیات تنها سوگند سوره و کلمه آغازین سوره است. ۲- مقدمه پاسخ سوگند و اهداف سوره است.

۳- در توصیف عادیات پی در پی چهار آیه ذکر می شود. ۴- مبارزه وجدان با تاختن اسب آغاز می گردد و زمینه ساز بیانات بعدی سوره می گردد.

**سوره قارعة:** ذکر سه مرتبه ای واژه «قارعة» در سه آیه متوالی که عظمت قارعة را بیان می نماید و شروع سوره با آن همچنین شروع قیامت و ماجرای سوره بوسیله آن به صفحه کشیده می شود.

**سوره عصر:** تنها سوره ای است که در آن به عصر سوگند یاد شده است و علاوه بر آن نقش عمده ای که واژه و مفهوم «عصر» در ملموس کردن و بارز نمودن اهمیت موضوع سوره داشت این نامگذاری را نکوه جلوه گر می نماید.

**سوره فیل:** ۱- چون ماجرای اصلی سوره سرگذشت اصحاب فیل است. ۲- نمود اصلی آن سپاه فیلها بوده ۳- فیل نماد قدرت و شوکت و تکیه گاه آن گروه بود ۴- مردم آن واقعه را با ذکر فیل یاد آور می شدند.

**سوره کوثر:** زیرا محور اصلی سوره اعطای کوثر است، و همانگونه که مطرح شده، کثرت و همه جانبگی در هر سه قسمت سوره قابل دید است.

**سوره نصر:** زیرا محور و هدف اصلی سوره بیان «نصر» و پیروزی است، اما ممکن است این سؤال پیش آید که چرا نام فتح را که مشابه آن است بر سوره ننهیم، و پاسخ را بدین

## آیات ہم نماى سور مجاور

سوره و آیه	محور همگون	سوره و آیه
طارق ۵	فلینظر الانسان مم خلق (آفرینش)	اعلى ۲
طارق ۱۲	والارض ذات الصدع (رویش گیاهان)	اعلى ۴
طارق ۱۳	انه لقول فصل (قرآن)	اعلى ۶
طارق ۱۷	امهلهم رويدا (سرنوشت کافران)	اعلى ۱۱
غاشية ۱۷	افلاینظرون الى الابل كيف خلقت (نظم آفرینش)	اعلى ۲
غاشية ۳	عاملة ناصبة (بدشگونى مخالفان)	اعلى ۱۱
غاشية ۴	تصلی ناراً حامية (ورود در عذاب)	اعلى ۱۲
غاشية ۲۵	ان الينا يابهم (بازگشت بسوى پروردگار)	فجر ۲۸
فجر ۱	والفجر (آغاز با سوگند)	بلد ۱
فجر ۱۶	فقدر عليه رزقه (سختیها)	بلد ۴
فجر ۱۱	الذين طغوا فى البلاد (نادیده گرفتن خدا)	بلد ۵
فجر ۱۴	ان ربك لبالمرصاد (مراقبت الهی)	بلد ۷
فجر ۲۹	فادخلی فی عبادى (جمع نیکان)	بلد ۸
فجر ۲۳	...بجهنم (جهنم و عذاب)	بلد ۲۰
بلد ۱۰	و هدیانه النجدین (تفهیم راه حق و باطل)	شمس ۸
بلد ۱۹	والذین كفروا بایتنا (بایمانى آیات الهی)	شمس ۱۴
فجر ۱۱	الذین طغوا فى البلاد (سرکشی و طغیان ثمود)	ثمود
بطغویها	شمس ۱۱	
شمس ۳	والنهار اذا جلیها (سوگند به روز)	لیل ۲
شمس ۴	واللیل اذا یغشیها (سوگند به شب)	لیل ۱
شمس ۹	قد افلح من زکیها (کامیابی خوبان)	لیل ۵ و ۶
شمس ۱۰	و قد خاب من دسیها (بدبختی بدان)	لیل ۸ و ۹
شمس ۱۲	اذا نبعث اشقیها (تکذیب شقیان)	لیل ۱۵
لیل ۲۱	و لسوف یرضی (آینده خوش نما)	ضحی ۵
ضحی ۳	ما وعدک ربک و ما قلی (رسیدگی و توجه الهی)	انشراح ۱
ضحی ۱۱	و اما بنعمة ربک فحدث (پایان هر دو سوره با توجه به پروردگار) و الی ربک فارغب	انشراح ۸
علق ۱	اقرا باسم ربک الذى خلق (نزول و دریافت وحی)	قدر ۱
قدر ۱	انا انزلناه فى ليلة القدر (کتاب آسمانی)	بینه ۲
بینه ۸	ذلک لمن خشى ربه (وجود ترس)	زلزال ۱
زلزال ۶	لیروا اعمالهم (نمایان شدن اعمال)	عادیات ۱۰
عادیات ۱۰	و حصل ما فى الصدور (تجلی حقایق عملکردها)	قارعة ۶-۸
قارعة ۱۱	نار حامية (جهنم)	تکاثیر ۶

## ارتباط پیوسته سوره‌های تکاثر، عصر، همزة، فیل، ماعون تا انتهای قرآن...

در این قسمت از قرآن هدف بیان حال عمومی انسانها از جهت افراط در دنیا محوری و گوش زد نمودن خسران عمومی آنان است، و به همین علت در سوره تکاثر کثرت، تکاثر طلبی انسان را به شدت می‌کوبد و چون موضوع کاملاً جدی است در سوره بعد «عصر» نیز قرآن، خسران و ضرر انسان را به صورت همگانی متجلی می‌نماید و چون این خسران هم کلی و هم شدید است در سوره بعد «همزة» باز باید حرف از این گونه باشد و حکایت این سوره در واقع سرگذشت همان موضوع قبلی است که در این جا می‌خواهد از دیدی دیگر که بیان عکس العمل مخرب (عیب جوی و طعنه زنی) ناشی از فکر جاودانگی یا کثرت دنیا خواهی است، آن خسران و ضرر را بنمایاند. و گویی سوره عصر در میان این دو سوره قرار گرفته، تا شدت خسران آن دو گروه را بیان نماید. و خسران را بر میان قلبشان به سیطره بنشانند. و باز این خسران آن چنان زیاد است که در سوره بعد

## هذه تناسب هر سوره با آغاز سوره بعد:

نام سوره	پایان سوره	وجه هم نمائی	آغاز سوره (بعد)	نام سوره
اعلیٰ	عمومیت و شمول دستورات الهی	(فراگیری)	حادثه فراگیری	(غاشیة)
غاشیة	ذکر مخالفان حق و پایان یافتن با نوعی تأکید (ان)	(تأکید و طغیان)	تأکید (قسم) و عاقبت دور عاقبت دور شدگان از حق	(فجر)
فجر	نفس مطمئنه	(اشاره به بندگان خاص خدا)	نمونه بارز نفس مطمئنه (پیامبر اکرم ص)	(بلد)
بلد	تحقیق عذاب و آتش	(تأکید و تأیید بوسیله سوگند)	شروع با تأکید (سوگند به خورشید)	(شمس)
شمس	نابودی و هلاکت	(نابودی و نبود نور)	تاریکی و گستره ظلمانی آن	(لیل)
لیل	خشنودی آتی	(وعده خشنودی و رسیدن به آن)	نور و امید و شروع رحمت (بوسیله نور وحی) (ضحی)	
ضحی	تحدیث نعمت الهی	(بیان مرحمت‌های الهی)	تفضیل نعمتها و الطاف الهی	(انشراح)
انشراح	تمایل به پرستش پروردگار	(توجه به پروردگار)	بهترین مکانهای انجام آن (کوه طور و مکه)	(تین)
تین	اثبات فرمانروایی و حکمرانی الهی	(مقررات حقانی)	آغاز حکم و دستور قوانین الهی (امر به دریافت وحی) (علق)	
علق	نزدیکی به پروردگار	(عبادت و قرب الهی)	بهترین زمان آن (شب قدر)	(قدر)
قدر	سلام و رحمت الهی	(سلام و اسلام)	تسلیم رحمت الهی (بینه) شدن	(بینة)
بینة	خشیت و ترس	(خوف)	زلزله هولناک	(زلزال)
زلزال	خیر و شر	(تشخیص و تمایز عملکرد)	جهادگران و مبارزان حق و باطل	(عادیات)
عادیات	تلمیح و قیامت	(رستاخیز)	قیامت	(قارعة)
قارعة	سبکی اعمال نیک	(تقابل)	کثرت اعمال بهبوده	(تکاثر)
تکاثر	سؤال و بازخواست نعمتهای الهی	(برخورد با نعمتها)	خسران نعمت (در عدم بهره وری صحیح از آنها)	(عصر)
عصر	سفارش به خویشتن داری	(صبر)	لزوم خویشتن داری زبان در مقابل عیبجویی از دیگران	(همزة)
همزة	عذاب الهی	(عذاب)	نزول عذاب بر اصحاب فیل	(فیل)
فیل	نابودی یاران فیل	(مقدمه و نتیجه)	برای آرامش قریش	(قریش)
قریش	الطاف دهندهگی الهی	(امر به عبادت و برخورد با آن)	خیر نارسائی چشم پوشندگان از حقیقت	(ماعون)
ماعون	جلوگیری از خیر اندک	(تقابل)	اعطای خیر کثیر	(کوثر)
کوثر	ناامیدی و یأس دشمن	(یأس مخالفان)	نا امید نمودن کافران از سازش با آن	(کافرون)
کافرون	تأکید بر اینکه دین، آئین ماست	(آئین حقیقی)	تجلی و استیلای دین الهی	(نصر)
نصر	توبه پذیری الهی	(نتایج رجوع و عدم آن به حق)	نابودی کسانی که به حق رجوع نکردند	(مسد)
مسد	ابولهب و یاران اموال و زنش	(شرک و توحید)	توحید و یگانگی	(توحید)
توحید	بی همتائی الهی	(توحید)	پناه بردن فقط به او	(فلق)
فلق	پناه بردن از دست حسود	(حاسد=انسان)	پناه بردن به پروردگارانسان	(ناس)